



جشن شاهنشاهی ایران

این روزنامه یکبار در تاریخ ملی ۱۰۰ شماره و در تیرماه برای تیرماه جاری در امر کشور و همراه با آئین شاهنشاهی میاید

شماره هشتاد و دوم: پنجشنبه ششم آبان ماه ۱۳۵۰

* جشن شاهنشاهی، اهرم تحرک و به ثمر رساندن برنامه های آبادانی کشور

از گفتگو با وزیر کشاورزی و عضو ستاد عملیاتی جشن شاهنشاهی

نیروی کار ملی در باز آفرینی تمدن بزرگ جشن شاهنشاهی بما چه داد؟ صفحه هشتم را بخوانید



* ایران، زندگی خود را وقف بشریت، صلح و تفاهم کرده است.

والتر اولبرایت رئیس شورای جمهوری دموکراتیک آلمان

* خبرهای جشن

از داخل و خارج

در صفحه هفتم بخوانید

جشنی که ستونهای صلح را قائم و استوار میسازد

دنیای صاحب اندیشه، همچنان از شکوه جشن شاهنشاهی سخن میگوید، و این جدا از جشنی است که گرم، در مطبوعات جهان، جاری است. هر چند در میان مطبوعات، غث و ثمین هم آمیخته است. و دیده شد، در میان موج استیصال، تحلیل و شکست زده کی مطبوعات جهان، چند تن نیز، به «تعیین قیامت» برای هر شکوهریز جشن تاریخ، پرداختند. ما، بانها خرده نمیگیریم. بگذار هر کس باندازد پیشی که دارد، و به بیان واقعه، به پردازد. مولانا را، بخاطر آوریم. آن آقایانوس عرفان و آگاهی را، که چه نیک برآورد کرده است:

گر بریزی بحر را، در کوزهای

چند کجید؟ قسمت یک کوزهای

جشن آئین شاهنشاهی، در تخت جمشید، که منصف تاریخ بود، و از این پس، و همچون آغاز آئین شاهنشاهی، که کوروش کرد، سرفصل و آغازی در تاریخ آئین خواهد ماند، دریای از شکوه بود. ودیای، یک هفته، این دریای فروغ روشنائی، شاد و امید و تقاضی را، برابر خویش داشت.

آنکه کوزهای کوچک بدوش دارد، اگر از این زلال تاریخ آفرین، اندکی نمیب برد، آن اندازه که چشمانش خیره نویسدنی و پوشیدنی و پذیرنی ماند، گناه دریا چیست؟ این گناه دریا نیست. که او بیش از این کنجایش تداست است.

اما، پادشاهی صاحب اندیشه باز گردیم. دنیای که، آئین را میسازد، امروز را نگهبانی میکند، و ارزش ها را میبناسد، و پداوری گنشته، تواناست. این دنیا، از نضت با درکی روشن به تجلیل و تکریم جشن آئین دوزهار و بیاضد سال شاهنشاهی زبان گنود، و آگاهانه در این کار بقیه در صفحه ۲

شرفیابی دبیران کمیته های جشن شاهنشاهی در کشورهای مختلف

دربارین فرخنده میلاد مسعود شاهنشاه آریامهر، دبیران کمیته های جشن شاهنشاهی در کشورهای مختلف جهان که به نمایندگی جشن شاهنشاهی به ایران آمده اند، به اتفاق همسرانشان بحضور شاهنشاه آریامهر باز یافتند.

شاهنشاه آریامهر از برابر صف دبیران گل کمیته های جشن شاهنشاهی گلشنند و با یک دبیران توسط آقای شجاع الدین شفا رئیس کمیته امور بین المللی جشن شاهنشاهی بحضور شاهنشاه آریامهر معرفی شدند و شاهنشاه آریامهر نسبت به هر یک از آنها اظهار مرحمت فرمودند و از مسامحت آنان در پیشرفت کار کمیته ها قدردانی کردند.

در این مراسم، دبیر کمیته جشن شاهنشاهی در شوروی آخرین جلد شاهنامه فردوسی شاعر بزرگ ایران را که به افتخار جشن شاهنشاهی در شوروی به طبع رسیده است به پیشگاه شاهنشاه آریامهر تقدیم داشتند.

● در این شرفیابی چند نازروسی دانشگاه های بزرگ کشور های مختلف، چسان و اتحادیه جهانی مربیان آموزشی نیز ایشار حضور داشتند.

۱۰۰ اصل آئین شاهنشاهی

در پیکهای به بهشت هستی و رستگاری

کستری چشم انداز، عریان است. و تنها نوبوشی که بر پیکر آن، به کجیستی، فرو افتاده است، نین پوش سپید برف است. و در این کشته، هر دختی، نقشی از بی برگی است و بی باری، و در دستان کوزه های استخوانی، خود را دو پورش و سردی تلخ و سوزنده برده به دست سیاهی سپرده و به روزگار تنهایی، روزگار عریان، روزگار بقیه در صفحه ۲

خودش اردز ادامه داشت تا شیرالدوله از صدارت استعفا داد. و امین السلطان از سوی شاه قاجار، مأمور تشکیل کابینه شد. او برای ورود به ایران، تا نایب شوکت وفاداری بیه مشروطیت پادشاه بود. اما اوضاع بنام پسران سیرده شده بود و اندکمانه نامی، کمترین میبایست. بعضی از فرنگشان و بعضی از ولایات سر به فغان و سرکش برداشته بودند. در همین حال، امیان ولوهای روس و انگلیسی، دو «سینتر بوردو» گردادی در مورد تقسیم مناطق ایران به امپراطوریه و ایران بنام حکومت قاجار بر ایران زدند. روسیه و تقسیم شد. و این سیاستورین فراداد و محمدعلی رشید و محمد علیشاه با گرفتن وعده مفصله ملی و نظامی از روسیه سرزمین نو تفتیم علیه مشروطیت بود. امین السلطان آنگاه، بفرمانت کابینه یکی از مشروطه دوستان ایران، آیدرمانده، بروحبت دستگاه استعفا داد. که استعفا نطلب بود. او سعی کرد بود افزود، ناصرالملک، بصدانترسی و محمدعلی شاه، برای تسکین افکار عمومی و اقبال مجلس ایران بار چاهم، در مجلس، شوکت وفاداری به مشروطیت پادشاه کرد. امین السلطان استعفاها و بالا گرفت. ناصرالملک، معزول شد و نایب مردم رفت. ولی مردم، دیگر نمیخواستند دید که تاریکی سایه، چه میسیدم باروشدند و بر آن پردازی از تاریکی فروکش، روزنامهها، نمایان نمیشدند. مردم، امین السلطان، مسامحت، روح القدس، مجلسی از نمایان، تشکیل و وزیران ملت، بر علیه بیدارگریها، زبان به اعتراضی گشودند. و عدم لیافت و کارندگی مفصله شاه، چون اسلاف خود، باعث شد که بار دیگر ایران زمین، ریل به آتوب شود. اردیبهستان، فارسی و کرمان و خراسان، دستخیزان استقامت شده بود. و شاه قاجار که در محاصره دروازه مستبد از جنب مسامدلوله، لیافت روسی، شمشال روسی و امپراطور جدید بود، تصمیم گرفت مشروطیت را بریزد چون مشروطه در اردو بود. هدای اویشی و اشترای با پول اجیر شدند و شاه در میان یونانیه «سه اموز» چادمانه برپا کردند و برهبری چندین از عوامل دربار، شیخ فضل انوری، و ملا محمدعلی، و هدای دیگر، گوشهای شاه ساختگی برپا کردند و فریاد برکشیدند: ما دین نبی خواهیم، مشروطه نمیخواهیم. و دو کوفه وزارت،

روزنامه ۱۵ ساله شایسته ایران

از ما برین و مردم و سیاست گزیده و دست به قدرت زدند. و دربار قاجار و پان بهانه، گروهی مسلح را علیه یونانیه ارتز آورد. و شاه، خود، به پادشاه رفت. مردم که هدف نهایی را ندیده بودند، زورده مسلح شدند و دوزخ آن ازانان، به محالقت و فرارقت مجلس و اجیرها پرداختند. و بازمه، شاه قاجار، برپایان نشیمن خود را دید. و از دور، محاصره امرا اما او خود را برای شریک شدن، پنهان برای انطباق مجلس یونانیه که بر علیه جان او شکل گرفت، پنهان برای انطباق مجلس بود. و تمسید و شکنجه، شدت یافت. و شاه قاجار، در لباس مدخل، به پادشاه رفت. و مردم، حشمت، با مشاوری به دربار مجلس مشغول بودند. هدای از نمایان نام مردم در پادشاه گرفتار آمدند و لیافت و بهرهمی افراق حیات فراموشی خود، از دستان خود، سیاسی بارید. مجلس به محاصره درآمد. و حرمتمسدا شکست و بازارها تعطیل نمودم. در مسجد مسیال، اجتناب فرود شد. شورش در شهرها، تجدید شد. و در استاج سیاهانیز اوزان حکومت قاجار، و رواج خورد. و محاصره اوزان فرقا با تجیزات کافی، و مجلس و سیاست گزیده، به محاصره درآمد. حادثه شکل گرفت. و فرانسویان، سیویسی مجلس از سوی اسلاف، صادر شد. و مجامعت چنانچه از یورویام مسجد مسیال، به تیراندازی و هجوم قزاقان باعث شد. هدای از سوی سواران قزاق دربردار نهاند. و هدای از سربازان و به مجامعت پیوستند و اسفان روسی، سیوی مردم، و فرانسوی سربازانیز آیدر کردند. اما نعد تمدن مجامعت، و مدافعین در مجلس از یکصد نفر تجاوز نکردند. با این حال، چهارماد یونانیه قزاقان از کسار انعامتگرا، اما زمین افرازی کمی، و پیوستن به مهاجمان قزاق، مرگ از در جان مجامعت میزدند. مجلس و بنای بهارستان ایران شد. دستگیری سربازان، شروع شد. و محمدعلی شاه، به بستن از مردان بزگی که غیرمدانته زینل و زنجیر بودند بازخواست کرد. جمع تیرگی از آزاد مردانویز اندیشان، یکتانه، شهید شدند.

ایران، احزاب شکل گرفتند. احزاب «دموکرات» و «استدالی» در برابر هم، ایستادند. و اینکه مدتی از تبعید محمدعلی میرزا کشته بود، اما او، بازم به سوی استقامت و دستگیری و دستگیری سربازهای ایران، بهمدستی برادرش امین السلطان، به گران، و بجهان ترکمن هانم و پس از توفیق حیات، سوی تهران، پشروی نمود. سال-الدوله، از سوی مغرب، با کمک عشایر کلههر، سیوی پایتخت رانه. اما مجاهدان مردان دلاور ایرانیان، که داوطلبانه بسیا بودند، پیوسته بودند. با دلیری و شجاعت و مردود اسپهبد متجاوزان را شکست دادند. و در نتیجه شکست پیروزی، محمدعلی میرزا به سویه، و سالالدوله به عثمانی، ک بنانده شدند. و مجلس، حکم توفیق اموال و املاک ملت منصور میرزا شاع السلطنه، بر حرد محمدعلی میرزا را، که بر ضد مشروطیت ایران بود، صادر کرد و «شوستر» هدای از قزاقان آیدر برای شریف محمدعلی، اما روسی تازی، به پنهان استعفا اعلام شد. به بانک روس بهکار است، خانه او را دستنظر گرفتند و چون شوستر، دست به مقاومت زد، دستنویسیه تازی دست به یک سلسله تحریکات و اعتراضی زد و چون مجلس، تقاضای او را رد کرد، با نسیب تحریکات در داخل ایران شروع به پشروی کرد. ناصرالملک، که پس از درکشت ضد - ۱۹۱۱ - لایحه بستن پارلمنت تعیین شده بود، ناکان، مجلس را با دست و سران احزاب را هم به تمسید کرد و چاره را در همین حالت توقف سیرد و از تیز حیات دولت ایران و تا نایب و شوستر - ۱۹۱۵ - و باران و همکاران او را، اخراج کرد و در این هنگام، ناصرالملک، به قدرت مطلق دست یافتند. و روس های تزاری برسیهاها می افروزند.

اتان و از سوی گرتستان، که خراسان رانده و از هیچ سیاهکاری روگردانی نبود، حتی کیندها هم ترم، و صحنه اول کشته و هارایه پوست بستند. و اسلداها، با چکه، وارد حرم همدن شده، زانان اجاب کردند. مرد وزن را به مسلسل بستند. و انگشتی را که با پس به شرح امام بانجری فولاد چسبیده بود، با گلوله مسلسل جدا کردند.

درجهای به بهشت هستی و رستگاری

بقیه از صفحه ۱
مهری خود میمانند، و پوتها، به خواب زمستانی ژورفتانند. و پنداری که خواب هرک، ماهی ازران خود را پها فرود آورده شد. و در نهن پوتها، به صوری از گل حیات و نفس از سزینگی برکها، اتان، خیرام جوی را، و برک را، و گلها از یاد بردمان، آنچه اکنون در روانی اندوه آنگان میگردند، سرده است و مرغی، و درختان و فیهوم میوریا، و بسوی سایه، از یاد بردمان، به نهنجی لاف خود را به سوی آسمان، و مومی بالا، که بهشتانک و پویانیکه خورید، آسمان، کدوه خود و نفس و کتی پشش و کربها، و میورما پیروان، لپان خود را، به زمین، پشش کردند و اوراد جادویی نسیم را تکرار میکنند. و از نسیم، شرای غریب ترن نارت، و فرسایر این شولا، قرض می فرود آفانده، قرض سید که شومرا که گونگن از چهر زبده است. و این، جسمی از گسرتی چسبناخت است. چمن انداز که میزبان زمستان است و سرچام، و روزهایی غریب، پندرا نسیم اجامد. و انوری که در اوراد درختان است، خواب را در دیدگان ایرها شمرند، برکنند، و خورشید، رسالت خود را آید میکند. و خورشید، کشته اندیش خود را بر سر میگوید، و میگوید ایرها، که از خواب قلبی خود برخیزانند، و به هیچ میگردند. و شمشیر عدالت خورید، سینه ایرها را نیز میدرد، ایرها، با پاره عزیت میهند. و دستان فرنگشان، ایام خورشید برمی خیزند. و دستان لطیف و کچک فرنگشان، درجهای آسمان را شکستند و نفسی از آسمان کشاد، و به بهت میزنند. و خورشید، آنگون، آسمان آبی و یکران را بدل از آینهی جلوهگری میکند. و آسمان آبی، آینه خورشید میخود و سینهای مهربان نور خورشید، غبار برف، و روزه شولای زمین میزاید. و خود خورشید شولای زمین را بدل به پها میزاید. و نفس جادویی قرتنه، که اکنون دروازه ای از بهشت در خط را روی زمین کوده اند، بفر حیات را باریدگر در خط زمین، و در پیکری پوتها، و در سینهی درختان میمند. و درختان، بار دیگر، آسانه برک را پیاد میآورند و کوهفرا، بارور میسازند و غبار از گردناگردن نهن پوتها، برکنند میخود و اتان، شرم برک را به خاطر میآورند. و بخندگاهها، بر لپان شگوفای میگردند. و زمین، آنگون، دستان کربک و سیز خود را، در هیت سیزها و سفها و گلها و حیاط، بیرون میآورد و آیدگم گرم نسیم، به نباش میبردند. کشریه چمن آناز، اکنون، خود، و نفسی از بهشت است و جسمی از شگوفای، جسمی از زندگی، و جسمی که از آتیا میگذرد، دامن خود را از طر حیات می آید و باخوشی، و به عنان برآورد و به سزینهای آتیا میبرد که در همکاران او، چمن برای نویدن طر تازه گلها و گیاهان وحشی و طر آگین بهشتان را هتند. برکتر، چمن آناز، آنگون، درجهای از بهشت خاندان بارند شاه است.

از: دکتر طلعت بصاری

بیست و نهمین یادگار جنیدی خاوری

خاک ایران

ای گرامی میهن ای ایران من
ای ز تو اصل من و بنیان من
خاک پاکت رشک فرودوس پسرین
آسمان دلقریب و دلنشین
مهر تو، مهر آفرین پرتو فشان
ماه تو زیا عروس آسمان
انجمن چشمک زبان به کس تسبیح
مایه الهام هم صاحب نظر
صبح تو شد با مفاخر از صفای
در دل نام تو پنهان راهها
نهر تو بر آب و نری پسر خوش
روهایت کف که لب کاشی خوش
جوی تو آرام و چشمه بر ز جوش
آبشارت پندها خوانند گمشو
کوهار و دنت تو بر زر گل است
پاهای تو بر تکی است
ناز را زید که باز خوشی را
افتد او را لرزه از سر تا به پا
چونکه بیند زانینسان تو را
دلریبان، چه مبینان تو را
غرب روشن از فر و فرهنگ تو
ملح آمد از ره و آهنگ تو
از دل و جسان عائق ایران من
در رهن پادا قنما جبان و تنم
تازو بودم رشتت از مهری وی است
سرخسی و خرابی از چهر وی است
برجینش نور یزدان را نگر
کوته از او دست چهر را نگر
از خلیج فارس تا جبر خنجر
از دل میناب تا خاک اهر
از سبتغ کوه تا قلب کویسر
از دل غرد و کلان برنا و پسر
این ندا خیزه که ای خلق جبان
خاک ایران ملک ملیح است و امان
چایگه الفت و عرفان بسود
چلوگه کسب رحمت یزدان بود
روح بر جسم جهان گیتی او دواست
بر تن بیسار گیتی او دواست
بینم آن روزی که فر و چاه او
دانش و فرهنگ و رسم و راه او
و آسندیش آسناش
شوکت و عز و فخر روحانیش
چشما را خیر سر از بی گمان
عاجیز از توفیق او آید زبسان
قلبه صاحبان ایران شود
هر که صلح جهان طهران بود
شاه ایران مظهر علم و مفاست
وینک او را حامی و حافظ خدمات

۱۹۰۹

میلادی

۱۹۰۹

میلادی

۱۹۲۵

میلادی

۱۹۰۹

میلادی

۱۹۰۹

میلادی

۱۹۲۵

میلادی

آنگون، و استعفا، در وقت نشسته بود. سردار اسعد دست زور داده و سپهبد تکتانی بستن وزیر جنگ، استعفا شد. یونان و آذربایجان، و سرکردی گروهی کرد. گروهی از خاتین، به کفر اعصاب خود رو سیمند. و مجلسی، چون خاندان امیدی، بازم درهای خود را، گشاده دید.

آنگون، و استعفا، در وقت نشسته بود. سردار اسعد دست زور داده و سپهبد تکتانی بستن وزیر جنگ، استعفا شد. یونان و آذربایجان، و سرکردی گروهی کرد. گروهی از خاتین، به کفر اعصاب خود رو سیمند. و مجلسی، چون خاندان امیدی، بازم درهای خود را، گشاده دید.

آنگون، و استعفا، در وقت نشسته بود. سردار اسعد دست زور داده و سپهبد تکتانی بستن وزیر جنگ، استعفا شد. یونان و آذربایجان، و سرکردی گروهی کرد. گروهی از خاتین، به کفر اعصاب خود رو سیمند. و مجلسی، چون خاندان امیدی، بازم درهای خود را، گشاده دید.

آنگون، و استعفا، در وقت نشسته بود. سردار اسعد دست زور داده و سپهبد تکتانی بستن وزیر جنگ، استعفا شد. یونان و آذربایجان، و سرکردی گروهی کرد. گروهی از خاتین، به کفر اعصاب خود رو سیمند. و مجلسی، چون خاندان امیدی، بازم درهای خود را، گشاده دید.

جدا کردن حکومت از مذهب
 از بررسی دقیق و علمی منشور کورش
 بزرگ نکته مهمی آشکار میشود و آنهم اینست
 که این پادشاه برخلاف پادشاهان جهانگشای قبل
 و بعد از خود در فتوحات و پیروزیهای خویش
 رسالت الهی بخود نداده و پیروزی خود را
 مقدم بر ملک و مساعادت خدایان ندانسته است.
 باینکه در منشور کورش هیچ باره به نظر
 لطف خدایان اشاره شده ولی جالب اینست که
 در همه جا کوروش خود را حامی خدایان اعلام
 کرده است و برای پیروزی خویش و قبل از
 اقدام به جنگ از آنان کمکي نخواسته و آنان
 را در پیروزی خویش شریک نکرده و خود را
 در فتوحات خویش مدیون و مرهون آنان
 ندانسته است.

کوروش در منشور بابل ضمن مقدمه ویس
 از معرفی خود و تبار خویش به احترامی که
 « بعل و نبو » خدایان بیگانه برای او و
 خاندانش قائل هستند اشاره میکند و میگوید که
 « بعل و نبو فرمانروایی آنان را (دودمان
 سلطنتی کوروش مقصود است) گرامی میدارند
 و سلطنت آنان را بچنان دل خوش استازند
 چنانکه دیده میشود بنابراین متن ، کوروش
 سلطنت و پیروزیهای خود را مدیون بعل و نبو
 ندانسته و برخلاف مدعیان استاین خدایان هستند
 که سلطنت او و دودمان او را بچنان و دل
 خواستارند.

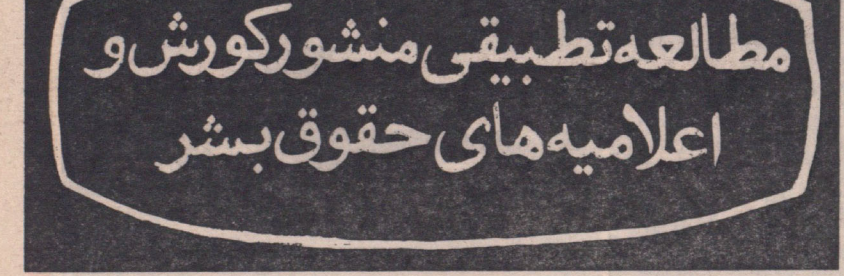
در جای دیگر کوروش ورود پیروزمندان
 خود را در میان شادمانی عمومی به بابل نوشتن
 بر سریر سلطنت شرح میدهد و سپس میگوید:
 « مردوک خدای بزرگ مردم گشاده دل بابل
 را بر آن داشت تا مرا . . . (این قسمت از
 استوارنامه کوروش که در هر روز به ستایش او
 هفت گامشتم . در ترجمه دیگری گامز هفتم
 متن چنین آمده است : « مردوک خدای
 بابل) دلهای نجیب مردم بابل را متوجه من
 کرد ، زیرا من او را محترم و گرامی داشتم ،
 این قسمت از منشور کوروش نیز نشان میدهد
 این فکر است که مهر مردوک به کوروش پس
 از آنکه کوروش بابل را فتح کرد و او را
 محترم و گرامی داشته ظاهر شده است نه
 قبل از آن .

یکی یائیتور کوروش در منشور خویش
 از کمکهای که به مردم بابل کرده یاد میکند
 و آنکه میگوید : « من به بدبختیهای آنان
 پایان بخشیدم . مردوک خدای بزرگ از کردار
 من خشنودند و بمن که او را ستایش کردم
 و به کیبوجیه فرزندم گامز نهمه است و بشمام
 سواد من برکت آرزائی داشت . این متن نیز
 مورد استیضاح است که ذکر آن رفت ، زیرا در
 اینجا بر روشی استدلال شده که رفتار جوانمردان
 کوروش موجب خرسندی مردوک خدای بزرگ
 شده و در نتیجه آن مردوک بر کتات خود را بر

منشاء اختلاف بین منشور کوروش

و اعلامیه کاهنان بابل و متون مذهبی

کوروش و فرزندش و سپاهانش نازل کرده
 است ، و بیعبارت دیگر برکات مردوک موجب
 پیروزی کوروش شده بلکه رفتار کوروش
 مستوجب برکات مردوک گردیده است.
 در سایر قسمتهای منشور بابل ، از کمکها
 و مساعدتیهایی که کوروش پادشاه پیروز کوش
 و پرستندگان خدایان مختلف کرده و همچنین
 از آسایش کردن پرستگها و بازگرداندن
 خدایان به مقر سابق خود سخن رفته است و این
 اقدامات نشان میدهد که کوروش خود را حامی
 مردم و خدایان ایشان میدانسته ناینکه از طرف
 خدایان سالی در کشور گشائی و سلطنت داشته است.
 بین منشور کوروش و آثاری که از ملل
 مغلوب و تابع کوروش بجا مانده در این زمینه
 اختلاف آشکاری وجود دارد . کاهنان بابل
 که زعیای قوم مغلوب بودند پیروزی کوروش
 را بر بابل بنوع دیگری توجیه میکنند . آنان
 برای اینکه از شرم شکست خود بکاهدن برای
 کوروش جنبه رسالت الهی قائل شده و او را عاملی
 از طرف خدایوندان بابل برای فتح بابل و
 برپا داشتن ظلم و ستم در آن سرزمین معرفی
 می کنند .
 در اعلامیه کاهنان بابل گفته شده است که :
 « مردم بابل از ظلم و ستم به تنگ آمدند و
 مردوک خدای بزرگ استغاثه کردند و نیجات
 خود را خواستار شدند . مردوک بر حرم آمد
 و به تمامی ممالک نظر انداخت و در جستجوی
 پادشاهی عادل برآمد که بقلب او تریک باشد تا
 دستش را بگیرد . آنگاه کوروش پادشاه آنان را



عنتی کتاب عزرا (باب اول) گفته شده است
 که : « . . . خداوند روح کوروش پادشاه
 فارس را برانگیخت تا در تمامی ممالک خود
 فرمانی نافذ کرد و آن را فرمود داشت و گفت . . .
 خدا آسمانها و جمیع ممالک زمین را برین
 داده . . . »

چنانکه دیده میشود در آثار مذهبی یهود
 نیز رسالت کوروش به عنوان مسیح خداوند
 معرفی شده و از طرف او مأمور فتح کشورهای
 عالم گردیده و سلطنت بر آنها رسیده است.
 بنابر تمسیر کاهنان بابل و روحانیون قوم
 یهود ، کوروش بزرگ از جانب خدایوندان آن
 اقوام مأموریت داشت تا بر سرزمینها و اقوام
 متعدد پیروز شود و بر آنها سلطنت کند و در حالی
 که کوروش در منشور خود چنین رسالتی برای
 خودش قائل نشده است و بیعبارت دیگر این
 شخص او بوده که تمسیر به آزادی بابل گرفته
 و با رفتار خود موفق به جلب نظر مساعد
 خدایوندان گردیده و مورد مهر و محبت آنان
 قرار گرفته است.

از مقایسه متنها مختلفه اختلاف عمیق و
 اساسی که بین طرز تفکر ایرانی و اقوام دیگر
 عهد قدیم وجود داشته آشکار میشود و معلوم
 میگردد که منشور کوروش بر اساس واقعیت و
 انسان دوستی و خالصی از تمسبات مذهبی نوشته
 شده در حالیکه متون منسوب به اقوام دیگر
 در عین حقیقتی نسبت به کوروش مبتنی بر
 تعصبات مذهبی و ملی بوده است.
 عدم استناعت کوروش از خدای خود و
 خدایوندان سایر اقوام دلیل بسریقتی و
 بیعلاقگی کوروش به مذهب نبوده بلکه تمسیر
 علمی و حقوقی آن اینست که کوروش از امین
 مکتوب منظورش این بوده که حکومت خود را
 از حکومت خدایان جدا کند.

جشنی که ستونهای صلح را قائم و استوار میسازد

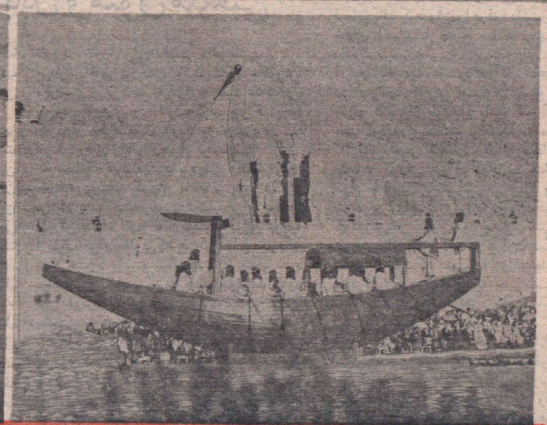
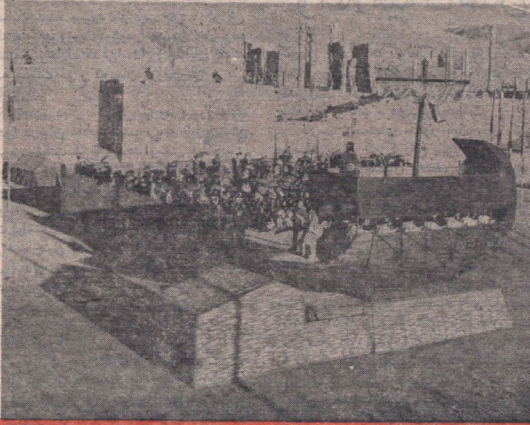
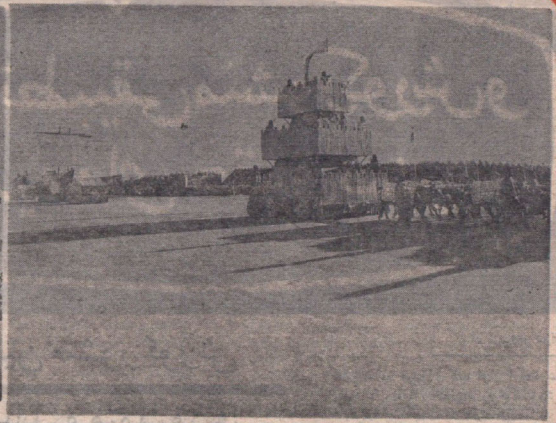
با وجود سازمان ملل متحد است که دنیا سالی دوست
 میبارد دلار ، پیش پای جنگ آیند را میسازد ، از
 و در چنین احوال ، تا نهایان آندیشه ای بدیع ، که بشنواغی
 از بزرگترین میراث تمدن دارد ، و نه نیکی و پناهی سرشته
 است ، و در دنیا ، به نیک خواهی ، نامش بر سر زبانه است
 تعبیه ای نو ، میانندیش : اکنون که ترانس آئین شاهنشاهی
 در ایران ، آغاز گشته است ، و ملت ایران ، می خواهد به
 بزرگداشت دوهزار و پانصد سال آئین پیوسته شاهنشاهی
 بپردازد ، چرا این آئین چنانکه در سرشت آن ، هست ، به
 نطقه تحولی ، در تاریخ تمدن معاصر تبدیل نگردد ؟
 آئین شاهنشاهی ، در هر سال ما ، چنان حیثیت و اعتبار در
 تاریخ تمدن ، دارده که امروز ، شایسته و بزرگداشت آن
 بتواند ، موضوع یک نواوری ، در تاریخ دیپلماسی و چشمه
 روشنائی صلح و آرامش در دنیا باشد . و این آندیشه تنگنمی
 که با دنیا در میان گذاشته میشود ، دنیای صاحب آندیشه
 به هیجان میآید ، و از آن استقبال میکند . و اینگونه ، با
 تشکیل پنجاه کمیته بر گزار می آید چنان آئین شاهنشاهی ایران
 در کشورهای دوست ، پایه یک واقعه بزرگ تاریخ میشود
 میگردد . و ثبوت دیدار که میسرند ، در جشن شاهنشاهی ،
 از شصت و نه کشور جهان ، سران و وزیران و نمایندگان ، در
 رأس هیأت های عالی ، به تخت جشنید میآیند . و تحت
 جشنید ، میادگاه جهانی تفاهم و صلح مشکلات جهانی میشود
 و آید ، در باره خاورمیانه عربی ، درباره اختلاف هند و
 پاکستان ، و بحران پاکستان شرقی ، درباره روابط بین المللی
 و درباره روابط هر یک از کشورهای ، با یک یا چندین کشور دیگر ،

در محیطی که هیچ جای رسمیت ، روشنائی تفاهم و اتحاد
 را در آن ، کردار نمی سازد ، و به بحث می نشینند .
 و هنگامی که ضیافت به پایان میرسد ، هر یک از سران و
 رهبران و نمایندگان ، سرشار از اعتماد و خوشبینی و خرسند
 از آنچه گفته باشند ، و در تحسین ، و از اندیشه ای که چنین
 مجالی برای روشن ساختن افق همکاریها و روابط بین المللی ،
 فراهم ساخت ، به سرزمین های خویش باز گشتند . و امروز
 هنوز در کار ستودن و داوری نیک بر جشن و شادمانی بزرگی
 هستند که چنین نقش در ساختن آئیند گذاشت .
 دنیا ، با جشن شاهنشاهی رسمی را آغاز کرد ، که
 میتواند ، همچنان ادامه دهد . و در بهای این رسم ، چند
 میلیون دلار چه اعتبار و حیثیت دارد ، حتی اگر میلیونها
 دلار ، اگر چند هزار میلیون دلار هر بار به بهای جشن داده
 شود که ستونهای صلح را ، قائم و استوار میسازد ، بهائی نندک
 است . و در برابر آن همه پیش پای گراف که برای جنگ
 و نابودی و مرگ برداخت میشود ، به حساب نمی آید .

روزنامه جشن شاهنشاهی ایران

نشر مخصوص وزارت اطلاعات

این روزنامه طی ۱۰۰ شماره همراه با جراید
 کشور و برابری با تیراژ کلیه روزنامه ها چاپ و
 منتشر میشود .
تهیه و تنظیم ذیونظر : ایرج نبوی



بدنیال ارادهای دو اسبه داس دار ، برج متحرک سه طبقه باشکوه دوران هخامنشی که بوسیله ۱۶ گاو تنومند کشیده می شد و در طبقات این برج نیز همداران پاس میدادند حرکت میکرد ، آنگاه کشتی پر شکوه تری رم دوره هخامنشی که در عرشه آن نیز همداران و سپه داران مستقر شده بودند ، حرکت میکرد و بدنیال آنها نمونه های کشتی های کوچک نیرو بر با ملوانان نیز همدار از میدان گذشتند.

*... و بعد از هخامنشی سر بازاران اشکانی بمیدان آمدند



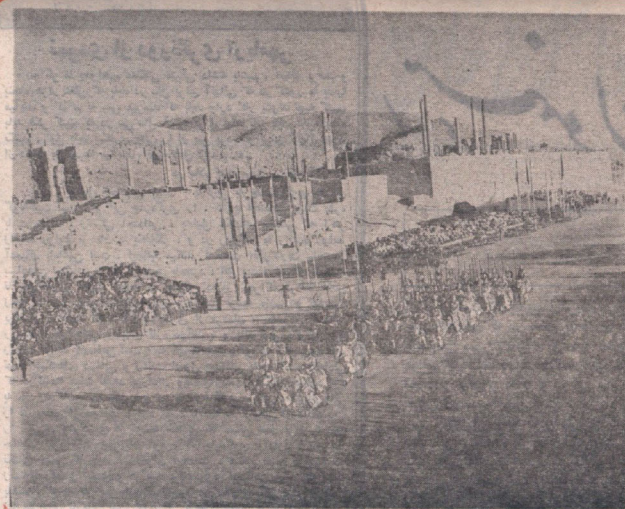
سر بازاران سوار نظام ، پیش قراولان سپاه اشکانی

۲۳ مهر ۱۳۵۰

15 OCT. 1971

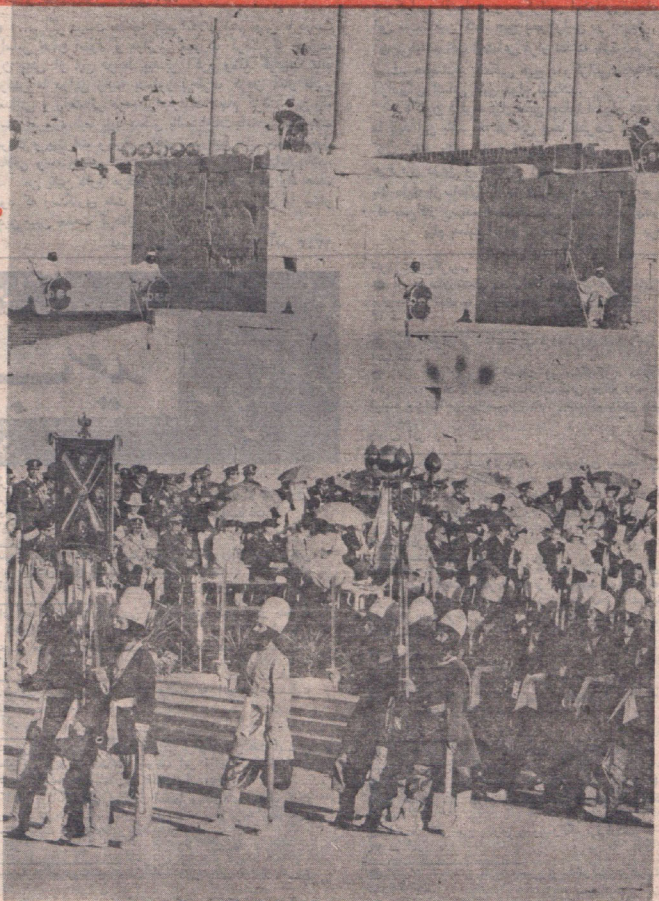
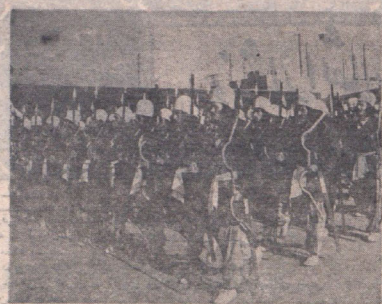
۲۴ شعبان ۱۳۹۱

آلبوم مراسم جشن شاهنشاهی « گزارش لحظه به لحظه باعکس »



در پیشاپیش سربازان اشکانی ، سربازان سوار نظام با درفش های میترا - آژدها - خورشید و سپه سربازان سنگین جنگ افزار با پرچم اسب سفید به رژه می‌داختند .

ساسانیان در تخت جمشید



در این هنگام توست به رژه سربازان دوران ساسانیان رسید . در پیشاپیش سپاه پیاده نظام دوران ساسانیان درفش‌دار درفش‌کاراوتانی و درفش‌دار درفش‌بج‌گوی و سرباز حامل پرچم فرو خورشید و ماه حرکت میکرد ، بدنبال پیاده‌نظام - سوار نظام دوران ساسانیان با کلاه خود و درحالی که در پیشاپیش آنها درفش‌دار درفش‌چاره‌زبانه و درفش‌دار درفش‌شیربیکر حرکت میکرد از برابر شاهنشاه و شهبانو و سایر شخصیت‌ها و شرکت‌کنندگان در رژه گذشتند . آنگاه درفش‌دار درفش‌هایبیکر - درفش‌دار درفش‌خورشیدبیکر و درفش‌دار درفش‌آژدها بیکر و درفش‌دار سرجیم حلقه و خورشید و درفش‌دار درفش‌فوجبیکر و درفش‌دار درفش‌گوتبیکر و درفش‌دار گرازبیکر و درفش‌دار پیلربیکر رژه رفتند .

پس از آن دسته سواره سنگین جنگ افزار و سربازان زره‌پوش دوران ساسانیان از میدان رژه گذشتند .

۲۳ مهر ۱۳۵۰
15 OCT. 1971
۲۴ شعبان ۱۳۹۱

آلبوم مراسم جشن شاهنشاهی «گزارش لحظه به لحظه باعکس»

نمودی از دورنگری آریامهر

اگر ما بخواهیم ملکتی مترقی داشته باشیم، اضافه رشد و پنجاه هزار شغلی که باید در سال برای آنها ایجاد کرد، در کشور ما بدینا میباید و کم کم به نسی میسرند که باید وارد کار شوند تهیه کنیم، باید فکر کنیم که در سی سال آینده برای چند نفر باید شغل ایجاد کنیم. اول باید بیکاری فعلی را از بین برد، و برای آتیه هم کارها را در دهات با بهره میباید، تهیه شغل دید....

در سلام عید میبت - ۱۱ آذر ۴۳
پسر، بدلیل اجتماعی بودن، ناگزیر به چاره‌گری های گوناگون است. و این چاره‌گری را، نتایج اجتماعی بودن پسر، باعث میباید. زندگی اجتماعی، بدلیل شکلهای مختلفی که اکثر زاینده روابط مردمان با یکدیگر، و در روزگار ما زاینده روابط آدمیان باهمین است، ایجاد میکند که دست اندرکاران ساختمان بینادهای اجتماعی، اعم از مادی یا مجرد، افق دید و اندیشه خود را، تا روزگاری دورتر توسعه و گسترش دهند. چرا که شرایط خاص زمان ما، و پیشرفت تکنولوژی، و نیز توسعه ماشین و تسلط آن بر انسان، باعث آمده تا گروه‌های گوناگون از مردمان، بخصوص مردمان روستا، برای یافتن راههای تازه درآمد، و بنابراین در گوناگونی که زاینده شرایط اجتماعی است، به بهره‌ها هجوم آورند. ازسوی دیگر، توسعه شبکه‌های درمانی و رعایت اصول بهداشتی باعث آمده تا تعدادی که در گذشته میان تعداد فرزندان و معنی‌آزمت رفشان موجود بود، به بود فرزندان، پیوسته و این موضوع گاهی، حتی، نگرانی‌هایی را در بعضی از افراد بوجود آورد تا آنجا که گروهی از دانشمندان را، برای جلوگیری از توسعه خطری که ممکن است برای فرزندان جامعه، گریزگینگی جانیان بود، و به چاره‌گری و اداره. بنابراین، نگرانی‌هایی که باید سامانگراان اجتماعی و هنگام طرح هر فتره در زمینه عمران و آبادی و هرگونه برنامه‌ریزی اجتماعی مورد نظر داشته باشند، توجه به اصل ازباید نفوس در سایه‌ای آبی، و کیفیت زیاندنیهای تازه‌ای است که بر اثر بوجود آمدن آن شرایط، متکثر میگردد.

شاهنشاه آریامهر، رهبر بیدار دل و روشن بین ایرانیان، که هواری با درایت و دوراندیشی خاصی، همه جوانب را مورد نظر دارد، چون اندیشمنی بزرگ، و در مقام رهبری، خرمند، پیش از آنکه اثرات چنین تکثیر نفوس، ازبیدگاه معاشی با موقعیت و شرایط امروز، دانستگیر ایران زمین شود، در کلامی چنین میفرماید: «به همین آنگاه که مسئولیت طرح و اجرای این چنین برنامه‌ها را بعهده گرفته‌اند، همدار میبندند که با شناری و روشن بینی، کار خود را بیابان برند. در عین حال شهریار خرمند ایران را، این نکته هم، بخوبی آگاهند که بیابان پرند هر کار، درمراجل گوناگون انجام میبازد. برای به اجرا درآوردن طرح‌های بلندفرو زلف و آسایش مردمان اجتماع آینده ایران، نشت باید کارهای امروز را به سامان برد و پس از آن، که همه کارها، در هرزمین، به سامان رفت، و به چاره‌گری برای اجتماعات آینده نشت. و این، ناشرک واقعی و بی‌نی و دوراندیشی توام شهریار ایران است.

هر کسی می تواند در حد توان خود

از نعمتای ملک استفاده کند

● «... در کشور ما انقلاب يك طبقه نیست، انقلاب ملی و

رهنمون مابدوران تمدن بزرگ

۱۷- اجرای انقلاب

باید ازاین بعد باسرعت

یشتری پیشروی کنیم

● «... این انقلاب ایرانی بود که براساس نوع ایرانی و باهم از تعالیم عالی اسلامی و مطالعه اینکه چه اصولی بیشتر و بهتر از روح ایرانی و تاریخ ایران و احتیاجات واقعی خانواده ایرانی و مقتضیات محیط‌آب‌وهوای ایران سازگار است، و با تطبیق این احتیاجات و مقتضیات با مترقی‌ترین تجربیاتی که در زمینه‌های اجتماعی در دنیا بدست آمده است انجام گرفت.

اگر غیرازاین بود این انقلاب اصیل و ایرانی نبود ... ما خودمان را در هیچ چهارچوب خشک که براساس حفظ منافع يك طبقه استوار باشد مجبور نمیکنیم.

فلسفه انقلاب کنونی ایران این است که این انقلاب مال ملت ایران و برای ملت ایران باشد و آزادی اجتماعی را براساس دموکراسی اقتضایی و دموکراسی اجتماعی برای همه افراد این ملت تأمین کند، هیچ دموکراسی در محیطی که اجتماع آن برپایه عدالت اجتماعی قرار نداشته باشد دموکراسی واقعی نیست. بنابراین با کمک هیچ دموکراسی اقتصادی نیز بدون آزادی‌های انسانی قابل دوام نمیباشد.

اکنون شاهزاده نیل بدین هدیه‌ها استوار شده است و کار ما باید این باشد که از این بعد باسرعت یشتری پیشروی کنیم، باید بازه کار ما بیوسهه بالاتر برسد و تخصص هر فردی در فن و شغل او زیادت شود. يك ساعت و حتی يك دقیقه از ساعاتی که در شبانه‌روز برای کار هر روز ایرانی که سن کار رسیده است اختصاص یافته باید بهره‌برده. پیام به ملت ایران بنامست سالروز ۲۸ مرداد ۱۳۴۴

اجتماعی است که بدست اکثریت مردم صورت گرفته است، یعنی انقلابی که در بعضی نقاط دنیا انجام شده بدست طبقه خصوصی صورت گرفته، و جنبه ضدیت طبقاتی و در بعضی مواقع جنبه انتقام‌جوئی داشته است، ولی انقلاب ما انقلاب محبت و عشق و عارفه و دوستی و برادرشن فواصل و نزدیک کردن قلوب یکدیگر است.

انقلاب ما جنبه عملی دارد و کامل است. انقلابی که فقط نفع مملکت و مردم در آن در نظر گرفته شده است و در سایه این انقلاب تاحدی که مطابق شئون يك فرد آزاد است هر کسی میتواند در حدود لیاقت و پشتکار خودش از زندگی و نعمتها و ثروتهای مملکت استفاده بکند.

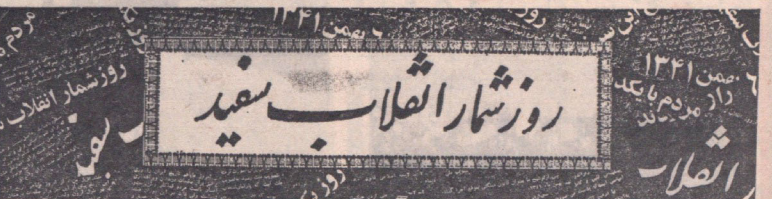
در شرایطی دسته‌جمعی مسئولان دفاتر اطلاعات و مطبوعات ایران در کشورهای خارجی - ۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۳

راه مایاب منطقی با احتیاجات

جامعه و حفظ اصول اخلاقی باشد

● «... اگر درست مطالعه کنیم انقلاب ششم بهمن ما درست براساس همان اصول و موازینی صورت گرفت که چهارده قرن پیش از این توسط پیغمبر اکرم وضع گردید. تمام کوشش ما در این زمینه بمنظور برطرف کردن آثار ظلم و بیعدالتی و رانتهایی مردم براه راست انجام گرفت. این راه راست امروزه طبعاً باید منطبق با احتیاجات جامعه و احتیاجات بشریت و پیشرفت و ترقی مادی و در عین حال حفظ اصول اخلاقی و معنوی در حد تعالیم عالیه دین مبین اسلام باشد. من یقین دارم هر وقت انقلاب بزرگ ما در راه هدف خود که رستگاری ملت است بیشتر رود در واقع ما بیشتر بدین مبین خلعت کرده‌ایم.»

در سلام عید میبت - ۱۱ آذر ۱۳۴۳



۲۸ - آبان

- قرارداد احداث هفت سیلوی جدید در کبکدایوس - همدان - میانه - قوچان - سبزوار - زینجان و ورجه بین ایران و شوروی
- به امضاء رسید.
- دروشهر خانه فرهنگ روستایی دهکانه گنوده شد.
- سخنواری تهران - کرمان و زاهدان پایتخت‌های هوایی ملی ایران افتتاح شد.

۲۹ - آبان

- عملیات ساختمانی اجبرای پروژه احداث آموزشگاه کشاورزی مهاباد در آذربایجان غربی پایان یافت. این آموزشگاه ۴۴ کارآموز خواهد داشت.

اول آذرماه ۱۳۴۴

- آقای هویدا نصیرتوز کارخانه قند پراشهرزاک گنوده.
- خیابان ۵۰ متری سیستان به نام کوه گنوده شد.

۲ - آذر

- شاهنشاه آریامهر از ساختمان نوین پایه مجلس شورایی زانیدید فرمودند.
- خانه فرهنگ روستایی (نوجوب) در ایرانشهر در استان سیستان و بلوچستان گشایش یافت.

۳ - آذر

- شاهنشاه آریامهر در ضیافت پزیدت اسو بودا رئیس جمهوری چکواکی فرمودند: « در دنیا کنونی تقاهم و اشتراک‌مندی‌ها مل ضروری است - هنکاهی ما در عین آنکه از نظر اقتصادی بلوغ حاصل کشور تمام می‌شود کمک موثری به تقویت صلح جهانی است.»
- عملیات ساختمانی و تکمیل و تجهیز سه دانشکده در سه نقطه کشور پایان یافت. این دانشکدهها عبارتند از: دانشکده پزشکی دانشگاه گنوده‌شاپور، در خوزستان؛ دانشکده چکنداری تهران در کرخ و دانشکده کشاورزی در رشتانه.
- خوابگاه شماره ۲ دختران دانشگاه تهران آماده شد. این خوابگاه شامل ۴۰ تخت خواب است.

۴ - آذر

- مرکز تشخیص سرطان در مراجل اولیه در بیمارستان فیروزگرد

- فارس افتتاح گردید
- در هزستان صنعتی رشتایی کلاه‌های شانه رشته‌های اتوماتیک - بری - زرکاری - ساختمان و صنایع چوبی دایر گردید

۱۳ - آذر

- برای اجرای برنامه نوسازی قراء مرزی استان خوزستان تأمین اعتبار شد.
- اعتبار اجرای پروژه احداث دو دستگاه کوره ذوب‌الکتریکی و ماشین‌آلات ریخته‌گری و وسایط آیرسانی در کارخانه ذوب‌ان‌های قرانه و برادمان درواخان باز نام کارخانه ذوب‌ان شهریار تأمین اعتبار شد.

۱۵ - آذر

- معادن فیروزه استان کرمان به بهره‌برداری رسید. این معادن در ۴۸ کیلومتری شهر یاک قرار دارند.
- عملیات ساختمانی پروژه احداث راه آسفالته ۳۳ کیلومتری یزد - مابین در استان کرمان و مرز بندر کبکدای آغازه شد. واحداث این جاده راه کرمان و یزد ۳۰ کیلومتر کوتاه تر خواهند شد.

۱۶ - آذر

- شاهنشاه آریامهر در یازدهم از ساختمان تازه بنیاد بهلول فرمودند: « طرح یسه فرهنگ را هر چه زودتر عملی کنید - برای تعیین بهادت نیز باید اقدام کنید - باید استعداد دانش آموزان و دانشجویان شناخت و از طریق یسه فرهنگی امکان ادامه تحصیلات عالی را برای آنان فراهم ساخت.»

۱۷ - آذر

- قرارداد اسفالت ۱۶ خیابان تهران به امضاء رسید.
- در مانگه اجین همکاری مردم با پلیس در آبادک با ۴ پزشک و داروی رایگان افتتاح شد.

۱۸ - آذر

- عملیات ساختمانی احداث ۴ سیلو در شهرهای میانه - سبزوار - قوچان و زینجان آغاز گردید.
- ارتباط سریع بین واحدهای کارخانه با دستگاه پاشه‌های ایران و تماس مستقیم بین تهران و مسکو با دستگاه مخصوص تلکس برقرار گردید.
- ارتباط تلفنی بین بندر عباس و بندر لنگه برقرار شد.

۱۹ - آذر

- عملیات ساختمانی طرح تأمین برق سلطان‌آباد در شهرستان رامهرمز شروع گردید.
- در پیشگاه علی‌احتر فرح بهلولی پارک نوین پایه یوسف آباد افتتاح گردید. این پارک ۲۵ هزار متر مربع مساحت دارد و دارای تالار عمومی - کتابخانه بزرگسالان و کودکان - کارگاه هنری بواوگان - سازمان زنان و سازمان پیشاهنگی - مهندکاری اجتماعی، کتابخانه‌های هنرهای دستی - شبانه - کفخانه و مکان مخصوص نمایش فیلم و مایل‌بازی - موزه کودکان است.

۲۰ - آذر

- پارک جدید الاحداث جوانیه که ۵ هزار متر مربع مساحت دارد گنوده شد.

روزنامه جشن شاهنشاهی

شماره هشتاد و دوم

صفحه ۶

حسبرهای جشن ازداءل حابج



از داخل:

صد هزار کارت سینما

● از طرف سندیکای سینمایی کشور تعداد یکصد هزار بلیط مجانی بدون کارت نفوت برای استفاده از برنامه سینماهای کشور در اختیار پیروز کشور قرار گرفت. تااین بلیطات مختلف مردم شهرستانها توزیع شود.

● آقای ساموزی کشور بهنگام ملاقات باعضای سندیکای سینمایی کشور ضمن اظهار قدردانی از این اقدام گفت: برگراری جشن دوازده و پانزدهمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران نسبتاً نشان دهنده تاریخ پرافتخار کشور ما و تحولات اخیر ایران است بلکه نتایج آن بهسورت استفاده از مدارس ساخته شده، دبیرستانهای جدید و دهها طرح عمرانی دیگر در آینده بیش از پیش معلوم خواهد شد. وجه بلیطات مردم در برگراری این سهم خود را پایمان و صداقت ادا کردند.

● سندیکای سینمایی کشور قبلاً نیز صد هزار کارت رایگان سینما در اختیار شهرداری تهران گذارده بودند.

● از طرف اداره مرکزی شرکت ملی نفت ایران دو بانگه تهران برای مسافرت به آنجا که کلیه کارکنان این اداره در آن شرکت هستند، همچنین کارکنان پالایشگاه، تهران نیز مراسمی بدین مناسبت برپا کردند.

● در یک واحد صنعتی

● بمناسبت جشن شاهنشاهی، مسجد - سان ناهار خوری و سالن ورزشی باستانی یکی از کارخانههای اتومبیلسازی در حضور آقای عبدالعزیز مجیدی وزیرکار و امور اجتماعی و معاونان آن وزارتخانه گشایش یافت.

● جوانان شیر و خورشید سرخ آموزش و پرورش ناحیه چهار تهران برای اردو در دبیرستان آرم برقرار کردند و چند برنامه هنری اجرا شد.

● کانون سینماپوهنای ایران و سازمان نگاهبان انقلاب وابسته به این کانون و دانشگایان دانشگاه صنعتی آرمان مجلسی بنیادین ترتیب دادند و برای سلامت رهبر مملکت و خاندان چایلی سلطنت نما کردند.

در استانها و شهرستانها

یزد:

● گروهی از فرهنگیان یزد به تله سیرکوه صعود کردند و ضمن انجام مراسم آنتنآرودی لوحه یادبود جشن شاهنشاهی را در این محل نصب کردند و دبستان یادبود در قریه محمودآباد از توابع یزد و دبستان نورپاد و یک دبستان یادبود در بخش اشکذر و در روستای مبارکه از توابع باقی نیز یک دبستان یادبود بوسیله فرماندار این شهرستان گشایش یافت.

● مازندران: طی مراسمی فرماندارکرامت رستم داد در ده کیلومتری شهرستان بهشهر با حضور معاونان استاندار و فرماندار ساری بوسیله فرماندار بهشهر افتتاح شد.

● این درمناگه در زمینی بوسه ۵۰۰۰ متر مربع و باچهارصد و پنجاه و هفت مثن متر مربع نیز بنا و هزینههای معادل یک میلیون و شصت و شصت هزار و سیصد و هشتاد و دو ریال ساخته شده است. و دارای سه دستگاه ساختمان شامل پیشرفتهای آموزشی، اطاق ورزشک و هیپاتر و بخش پیمان و تفریحات است. همچنین آموزنگاه بهاری استانزندان در شهرستان باطل با حضور استاندار این استان گشایش یافت.

● در این آموزنگاه کاروانتسلیصلاصنوم توسط مونسیر تمسلیل خواهند شد و پس از طی دوره دوساله در مراکز بهداشتی و درمانی استان مازندران کار خواهند کرد.

● ناااین: ساختمان دبستان ۱۵ پهن و مدرسه راهنمایی دختران ناااین با حضور فرماندار این شهرستان افتتاح شد.

● کرماتشاهان: راه بسوسه، میرابیل، شیخ صالح امام عباس، دوآب، سرپل دهب، خانههای سازمانی، بیمارستان پاپه و یک خیابان در این شهر گشوده شد و همچنین کنگنه سازمانهای سازمانی کارمندان دولت کارگروه شهر پاپه زمین زده شد. با ایجاد راه مذکور یکصد و هشتاد و یک مثن طول دارد ارتباط ۷۰ روستا از یکسوسه به پاپه و از طرف دیگر بشاهراه املی کرمانشاه - خسروی برقرار شد مرای ساختمان این راه که از یک مثنه کوهستانی میگذرد چهار مایل و دویست هزار متر مکعب کوبه شد و ۹ دستگاه، ۶۰۰ و ۵۰۰ آریو بیل کوپک ساخته شده است و ساختمان این راه ۴۰ میلیون ریال هزینه داشته است.

● خانههای سازمانی کارمندان و دبیرستان پاپه با هزینهای مبلغ ۹ میلیون ریال سازمانی ساخته شده و برای ایجاد کاشلآب این شهر مبلغ چهار میلیون و نصد هزار ریال نیز تأمین شده است. همچنین راه خوشیناب و روانسر بطول ۳۳ کیلومتر با حضور استاندار کرماتشاهان افتتاح شد و همزمان باآن بهره برداری از ۱۹ راه فرعی روستایی دیگر که مجموعاً ۳۴ کیلومتر طول دارد در نقاط مختلف استان کرمانشاهان آغاز گردید.

● ساختمان جدید سازمان آب منطقه خراسان شرقی در زاهدان گشایش یافت و ساختمان تکمیلی خانه کودک وابسته به جمعیت شیر خورشید آریانهتر که با هزینهای به مبلغ ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار ریال و نیروگاه جدید برق دویست کیلوواتی آریانهتر و بیمارستان ۱۵

سیستان و بلوچستان:

● ساختمان جدید سازمان آب منطقه خراسان شرقی در زاهدان گشایش یافت و ساختمان تکمیلی خانه کودک وابسته به جمعیت شیر خورشید آریانهتر که با هزینهای به مبلغ ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار ریال و نیروگاه جدید برق دویست کیلوواتی آریانهتر و بیمارستان ۱۵

تختخوابی زایل که بمناسبت جشن شاهنشاهی (کوروش) نامیده شده است گشایش یافت.

● درمناگه عالییهی در شهرستان قم افتتاح شد. هزینه ساختمان درمناگه مذکور از طرف یکی از افراد نیکوکار پرداخت شده است.

● امصهان: دو دبستان و یک خانه بهداشتی در شهرها - یک کنتارگاه در خوانسار - یک درمناگه و یک کنتارگاه در ارمنستان - تاسیسات شرکت سهامی زراعی عدالت و یک سینما و یک مدرسه راهنمایی تحصیلی - یک کنتارگاه و یک رختشویخانه در بخش اراک از شهرستان ناااین - یک میهمانرا در بخش کویماه افتتاح شد.

● در بخش ماهان شبکه آب آشامیدنی، خیابان کوروش کبیر، ویک شصه مواد نفتی افتتاح شد و مورد بهره برداری قرار گرفت - در بخش راین ساختمان شرکت تعاونی و فروشگاه شرکت آاب و یک طرح بهداشتی گشایش یافت و در بخش ساردوینیه یک درمناگه آغاز بکار کرد. و در بخش زردند چند دبستان یادبود و یک طرح بهداشتی گشایش یافت و طی مراسمی از ستون یادبود خیریه خانوچه بهره برداری شد. در جوانر شبکه آب آشامیدنی و خیابان کوروش کبیر و در شهرستان رفسنجان یک خانه فرهنگ روستایی، دوشرکت تعاونی، دو طرح بهداشتی، یک باب دبستان یادبود و در بخش اراک نیز یک باب خانه فرهنگ روستایی با حضور فرماندار رفسنجان گشایش یافت. همچنین دانشسرای راهنمایی کرمان افتتاح شد. در این دانشسرا درزمینی بساحت سه هزار و شصت متر مربع و با هزینهای به مبلغ دویستویون و چهارصد و هشتاد و پنج هزار ریال ساخته شده است.

از خارج:

نمایشگاه:

● بمناسبت برگراری جشن شاهنشاهی ایران - یک نمایشگاه از آثار هنری ایران بهعزایراماد دوره هفدهم شهرن نمایشگاه - دراین نمایشگاه اشیا و صنایع دستی ایران - ظروف سرامیک - قفلاند - مناسبات - لباسهای محلی و خانمکاری و منبتکاری گردآوری شده است.

● یک نمایشگاه از کتابهای علمی کباب و نثران فارسی نورد حیدرآباد افتتاح شد. در مراسم گشایش این نمایشگاه چند سخنران دربارهمگام کوروش برگزارکنندگان درهتر و بیشرفتهای اخیر ایران بهتفصیل صحبت کردند و در پایان سخنرانیه فیلم ایرانی سه نمایشگاهشده.

● بمناسبت برگراری جشنهای شاهنشاهی ایران یک نمایشگاه عسکری از پیشرفتهای مختلف ایران در انستیتی زبانهای خارجی وابسته بدانشگاه اسلامآباد درهتر اسلامآباد افتتاح یافت. در مراسم گشایش این نمایشگاه رئیس انستیتی مذکور درباره اهمیت برگراری جشن شاهنشاهی ازینصحنهگردواز شاهنشاه آریانهتر بهعنوانرهبری کاروان درهتر ترفی و بیشرفته فرماندهان تجلیل و ستایش کرد. سفیر شاهنشاه آریانهتر در پاکستان نیز در همین زمینه صحبت کرد و درباره روابط حسنه موجود بین ایران و پاکستان سخن گفت. همچنین مناسبت از طرف اجنن فرهنگی ایران و پاکستان نیز مراسمی با حضور جمع کثیری از شخصیها و مقامات پاکستانی در راولپنڈی ترتیب یافت و ضمن آن سفیر شاهنشاه آریانهتر در پاکستان پیشرفتهای سینهایه وهنجهای ایران را نیز حاضران تشریح کرد.

● نمایشگاه هنر اسلامی ایران بمناسبت برگراری جشن شاهنشاهی ایران با حضور نایب نخستوزیر و وزیر فرهنگ و تبلیغات و جمع کثیری از شخصیها و مقامات استوزیر دربارهمگام صرف - این نمایشگاه تا روز بیژننامه برای بازدید عموم دایر خواهد بود.

● یک نمایشگاه عسکری از پیشرفتهای ایران نیز با حضور آقایان احدیطوقان و وزیرمدار اردنهای ومونسیر و نخستوزیر و جمعه کثیری از وزران و مقامات شخصیهای استوزیر و روزنامه نگاران در امان افتتاح شد.

هدیه:

● هدیه شهردار لوس آنجلس بردهم تهران طی مراسمی بشهردار پاکستان تقدیم شد.

● این هدیه بمناسبت برگراری جشن دوهزار و پانزدهمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران بوسیله هیئته راهنمایی لاهابده و عنوان تحکیم هستگی نیزایشان شیر تهران و لوس آنجلس کاندو شهر خواهر خوانده نامیده شده اند تهیه شده است.

● هدیه شهردار لوس آنجلس شامل مدال نخل است که گشایش کوروش کبیر و یک شمشیر و نقوشی از سمنل های ایران و کالیفرنیا بر روی آن حکاکی شده و در قالب چاپ و نوبتینی در میان یک قطعه سنگ کوآرتز نصب شده است.

● دکتر منصور کتبی نماینده دانشگاه تنسی و رئیس اجنن دانشجوین این دانشگاه درهتر تاسکول تنسی - دانشجوین ایرانی دانشگاه تنسی، با برگراری نمایشگاه های گوناگون از صنایع دستی ایران و نشان دادن قبولیهای مختلف ایرانیتهای عمرانی واجتماعی سعی خواهند کرد، امر ایران را در فرس برگراری این جشن بزرگ بهره برمد امریکا نشاندهند.

نمایشگاه در ترکیه

● حضرت چوآق توفیق رئیس جمهوری ترکیه نمایشگاه عسکرمسافرت تاریخی اعلیحضرت زمامتسکیر به ترکیه را در آتکارا افتتاح کردند. مدخل نمایشگاه باشامل مبارک شاهنشاه آریانهتر و حضرت رئیس جمهوری و پرچمهای دو کشور ترکیه و ایران شده بود. در این مراسم رئیس مجلس ترکیه و چند از وزران و نایب لغضت وزیر و ماموران

خورسنان:

● فرماندار خورسنان شوشتر، خانه بنیادنگی این شهرستان را گشود و فرماندار مابهر نیز ساختمان مرتکز امداد و ساختمان درمناگه جمعیت شیر و خورشید سرخ را افتتاح کرد. در روستاهای شهرستان (ماموش) نیز چهار دبستان یادبود و یک فروشگاه تعاونی گشایش یافت. همچنین واحد نظایه اداره کل بهادری استان خورسنان که در زمینی به مساحت یکهزار و پانصد متر مربع ایجاد شده مورد بهره برداری قرار گرفت.

خین:

● خانههای اصناف روستاهای فارود و شیرو از توابع خین و فروشگاه شرکت تعاونی روستای شهکویه طی مراسمی گشایش یافت.

الیگوزر:

● فرماندار کلرستان بافتای چند تن از مسولان دوار درتی، درمناگه ازنا در زمینی بوسه دو هزار متر مربع و ساختمان امدادی و درمانی شهر الیگوزر و ستادیوم ورزشی چهار هزارفرسز شهر الیگوزر را که از اعتبارات طرح جمعه عمرانی در این شهر ایجاد شده است افتتاح کرد.

خراسن:

● ترتیبته تاسیبات و مرکز بهداشتی این شهر و یک کارخانه قند در ترتیبجام افتتاح شد و مورد بهره برداری قرار گرفت.

تهسوار:

● تاسیبات لوله کشی استخرساز از توابع بخش حومه شهسوار و دو دبستان راهنمایی در شهسوار واردگله راسر گشایش یافت.

● عالیقریه ترک و انصای کمینه کوروش و ارکان سفارت شاهنشاهی با قلع نواز سارنگ ایران رسا نمایشگاه را افتتاح کردند.

● در این موقع رئیس مجلسی ترکیه اظهار داشت من متعجبم که سرخی پرچم ایران نوداد انقلاب مشروطیت و سفیدی آن بعیای افراشته سفید شاه و ملت و سزای آن بعیای اصلاحات ارخی در ایران است.

● بازدید رئیس جمهوری و همراهان از نمایشگاه عسکرمسافرت تاریخی اعلیحضرت زمامتسکیر به ترکیه نزدیک به چهل دقیقه ادامه داشت و حضرت رئیس جمهوری بافتای و قافله در مقابل هرکس دربار همراهان اعلیحضرت زمامتسکیر و آنتورگ شوال های میگردند و اغلب کسانی را که در عسکری بودند شخصاً مشناختند و در پایان بازدید از طرف کمینه کوروش از مدعیین بذاریا بعمل آمد و بین آنان برونویزی که بنسابت این نمایشگاه از طرف شرکت شاهنشاهی چاپ شده بود توزیع شد. نمایشگاه عسکرمسافرت تاریخی اعلیحضرت زمامتسکیر به ترکیه بوسیله کمینه کوروش کبیر در مرکز شهر آتکارا در یکی از تالارهای اطاق تجارت و صنایع ترتیب یافته و تا پایان جشن شاهنشاهی برای بازدید عموم دایر بود. رادیو تلوویزیون ترکیه خبر و گزارش شرح گشایش این نمایشگاه را در بخشهای خبری خود بخش کردند.

در پاکستان

● در پاکستان، ضیافت باشکوهی از طرف اهلای کراچی در یکی از پارکهای بزرگ این شهر ترتیب یافت که در آن علاوه بر سفیر شاهنشاه آریانهتر و جمعی از شخصیهای پاکستان - فرماندار لاهور کرمی نیز شرکت داشتند. در این ضیافت ابتدا شهردار کراچی طی نطقی برگراری جشن شاهنشاهی را به ملت ایران تبریک گفت و اشاره کرد: ایران هزارانها بیهوش باورث تاریخی و فرهنگی خود بیاد کرده است و در اثر این کشور ظلم و باستانی در تمام طول تاریخ دنیا را در آن زودانی و حکمت و علم و روش گشته داشته و برهمند شده است. بیوه برای کشور ایران پاکستان آری بوسه سرچشده تند و فرهنگ فکر، علم و ادب و شعر بوده است.

● شهردار کراچی سپس دربار افتتاح شد و پیشرفتهای اخیر ایران تحت رهبری شاهنشاه آریانهتر سخن گفت و از مساعی خشکی سفیر شاهنشاه آریانهتر در پاکستان طی سخنانی بگراون تاریخ تمدن و فرهنگ ایران و مقام تاریخی و انسانی کوروش کبیر صحبت کرد و خدمات ایرانیان را در راه باط علم و فرهنگ دو سه قاره تجزیه و تحلیل کرد. بانگه (گیمخانا) که یکی از بزرگترین و معروفترین دانشگاههای کراچی است نیز بمناسبت جشن شاهنشاهی مجلس جشنی بنیانگشاید.

● در این مراسم استاندار سنه طی سخنانی از موارث مشترک فرهنگ ایران و پاکستان یاد کرد و روابط ایران را مودتانه ستود. پس از سخنان استاندار سنه، در شاهنشاه آریانهتر درباره آزادی کوروش بزرگ، تفریق ارض در بنای تمدن بشری - پیشرفتهای اقتصادی کوروش بزرگ، ارض تحت رهبری خردشاهه شاهنشاه - آثار و کتابت انقلاب سید به تقدیم سخن گفت.

● علاوه بر تکمیل مجلسی و مراسم برگزاری جشن شاهنشاهی در کراچی، اسلامآباد، لاهور، داکا و سایر شهرهای پاکستان، مراسم گشایش بزرگ زبانی نمایشگاهی اعلیحضرت زمامتسکیر در پاکستان و چهرتهای ایران نیز تمدن شده است و روزنامههای پاکستان، غلامه و راستای اخبار کوروشیای مربوط به جشن شاهنشاهی، شماره های مخصوص بمناسبت جشن شاهنشاهی ایران منتشر ساختند.

● گشایش مدعا نمایشگاه عسکری، آثار هنری و مدعی ایران درهترهای بزرگ پاکستان مجلسی معددا شده و تاسیبات و در این کشور نیز بد و مدعیانای پاکستانی برای سلامت شاهنشاه و مجد و عظمت ایرانیان مراسم تاسیبات بجا آوردند.

● در راولپنڈی و اسلامآباد یک کاروانال باشکوه با مسافرت شاهنشاهی در خیابانها برپا افتاد - در مسجد مرکزی راولپنڈی خطیب این مسجد پس از قرائت خلیفه جمعه، درباره اهمیت جشن شاهنشاهی سخن گفت و از شخصیت بزرگ شاهنشاه آریانهتر بعنوان بزرگترین دوست و نجاتبخش پاکستان و بعنوان رهبر عالیقدر جهان اسلام تجلیل فراوان کرد.

روزهای فرخنده شادمانی



والاحضرت شاهدخت شهناز



والاحضرت شاهدخت شمس



والاحضرت شاهدخت اشرف

دهم روزهای فرخنده شادمانی خاندان چلیل سلطنت راه شادمانی آرامبر، ممتاز گشته دربر گرفتند. است روز میلاد خواهر والاگر چهارم آبان، که به میلاد شادمانی است. مراسم نیکوکاری که قلمرو خردستان

ریاست عالی جمعیت خیریه شیرو خورشید سرخ ایران را به عهده دارند، و اوقسات گرانبهای جمعیت خیریه مصروف خدمت به همت و واری طبیعت زدهگان، و حادته دیدگان و نیازمندان و حوادث ناگوار جهانی میشود. این روزها، که به میمنت آراستاست، بر الاحضرت ها، فرخنده و مبارک باد.

والاحضرت شاهدخت شهناز پهلوی، دختر والاگر شاهدخت آرامبر و الاحضرت شهناز پهلوی، در نیک اندیشی و مهری و صفای اندیشه، نوره اموات گور خاندان چلیل پهلوی هستند. روز ششم آبان روز میلاد الاحضرت شاهدخت شمس پهلوی، زهرنگ خواهر والاگر شاهدخت آرامبر است، که جهان، به نیک اندیشی و نیکوکاری، ایشان رامیستند. والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی

از مرزهای کشور گشته است، و بر اجرای نیات برادر تاجدار خوشی، نفس سازنده، و روحی کننده، در یونسکو، و در کمیته بین المللی حقوق بشر، و ایست به سازمان ملل متحد دارند. و نیات ریاست عالی کمیته ملی نیکوکاری جهانی با بیسوی و ریاست عالی سازمان زنان ایران بونیات ریاست عالی سازمان زنان شاهنشاهی خدمات اجتماعی را مهیماوار هستند. روز پنجم آبان، به میلاد

داده ها، شناخت ها، یادبودهای جشن شاهنشاهی



جشن شاهنشاهی اهرم تحرک و به ثمر رساندن

برنامه های عمرانی و آبادانی کشور بود

گنجه با مهندس مشهور روحانی وزیر کشاورزی و سرپرست منابع طبیعی و عضو ستاد عملیاتی جشن شاهنشاهی

آقای مهندس منصور روحانی

وزیر کشاورزی و سرپرست منابع طبیعی نتیجه برداشت خود را از جشن شاهنشاهی بصورت کاملا خلاصه و فهرستوار اینگونه مطرح ساخت: ما بر برگزاری جشن های دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران بهدولت زیر زبانی: - شناسایی و بنیانگذاری شاهنشاهی ملیت ایران بنحو شایسته ای نگه داشتیم که در خسرو یک ملت حقیقتی یهود که در این مورد ملت ایران بهترین شکل ممکن عمل نمود. بنیاد نشان دادیم که وارث یک تمدن کهن و آزاده و در عین حال زنده هستیم. - نوع و شکل برگزاری جشن شاهنشاهی ایران قدرت سازماندهی مردمیان مرز و بوم را با بهترین صورت ممکن به جایمان نشان داد. آرامبانی ارزنده ملت ایران و مسوول انقلاب مردم وارثیک اسامک خود را به تمام جهانپایان ثابت نمود. - امکان بهربرداری های اقتصادی از لحاظ جلب توریت و جلب اشتغال بسیاری از ملت ما از نظر ممالک اقتصادی ایران ما فراهم شد. - بموازات کار جشن های بسیاری از تاسیسات آبادانی از قبیل سد ها، شبکه های آبیاری و مزارع مزارن جشن آماده بهره برداری گردید. خود بخود جشن درجام و تسریع از برنامه ها در زمان میثی اثر فطمی داشت

اظهار نظر، از شرق و غرب



ایشان حضرت اولاد پنجم

ایران، زندگی خود را وقف بشریت، صلح و تفاهم کرده است

حضرت والتر اولبرایت رئیس شورای جمهوری مکزیکاریادمان شویای خود و حضور شاهنشاهی آرامبر، چنین اظهار میدارد: «اعلیحضرت، اجازه میبخشد بیانشد و هزار و پانصدسال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران از جانب خود دولت جمهوری مکزیک آلمان گزینش نسبت ها را بشا و ملت ایران ابلاغ کند. ملل جهان تاریخ چند هزار ساله ایران که از توست و پیشرفت فرهنگ و تمدن جهان غیر قابل تفکیک است، بیاید به احترام میگردند. مراسم این تاریخ مشیون از اسامی نام ایران بزرگ، دانشندان و هنرمندان و سیاستمداران است که زندگی خود را وقت شایسته و صلح و تفاهم بین المللی کردند در حالیکه اینها همزمان حالی بزرگی است که امروزه بیش از هر زمان دیگری مورد توجه تمام ملل سلطنتی ترغیبخواه جهان است که برای تحقق آن میکوشند. اعلیحضرت، اجازه میبخوام برای ایران و مردم آن بشیرید»

روزنامه جشن شاهنشاهی

سهم ایرانیان در تحول کلام اسلامی نوشته مهدی حقیق مورخان ایران در دوره اسلامی نوشته دکتر ذریاب غویی نقی دانشمندان ایران دبیرشیرت رضیانت نوشته پرویز شهریاری

کتابشناسی جشن شاهنشاهی

توشه های از سیمای تاریخ تحول علوم در ایران (مجموعه مقالات تحقیقی) بهمناسبت برداشته دوازده روز اولادسندین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران از انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی - ۲۴۰ صفحه جشن شاهنشاهی انتشار یافته است. زیرا تمدن و علوم ایران و تحول آنها را در تاریخ و از دیدگاه علمی و تحقیقی نگریسته و در نتیجه آن از متفکران و ایرانیان برجسته مدتی گذشته است. مقالات با ارزشی این کتاب که برداشته جنبه علمی تاریخ ایران، هر روزهنده ای را برای می کند میبازند از: - سلسله درصاحب تاریخ ایران از دکتر سید حسین نصر - کسب و توسل و طبع طبیعی در ایران از دکتر محمود آریابادی - مسیر و تحول جغرافیای رضایی ایران و تاثیر آن در فرهنگ اسلامی از دکتر منوچهر ستوده - تکالیف به آثار دریادوستی ایرانیان در روزگار پلستان نوشته سیدمحمدعلی امام خوشنوی - ادب و وارثیایی تاثیر ودخالت آن درانتقال میراث های فرهنگی از دکتر محمد چمبر محضوب

سازمانها و نهادهای علمی و آموزشی در ایران

بهمناسبت برداشته جشن شاهنشاهی نوشته غلامحسین میری افشار از انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی - ۱۹۴ صفحه - این تحقیق ارزنده در چهار جلد «از آغاز تا اسلام» و «اسلام تا مغول» و «بروردی و پورانه» و «امروز» و «به تامل تاریخی» موردتیر این امر از امروز میروازند. نخستین بخش این کتاب نهادهای علمی و آموزشی ایران و سازمان های علمی کشور است (سازمانها و نهادهای علمی در ایران از آغاز تا اسلام) قبلا بهطور مسلسل در روزنامه جشن شاهنشاهی به چاپ رسید و خوانندگان یا سیک تحقیق و ارائه آن اشتنداد

جشن شاهنشاهی، بنا چه داد؟

نیروی کار ملی در باز آفرینی تمدن بزرگ

آنچه را معنی است، بامت تاریخ بسیارم و یگانداریم آینه دآوری کند. و جان دآوری کند، که ما اکنون، با دآوری گشته، تواناییم. ساشی که تاریخ خواهد کرد، بی شایه ترین دآوری است بر آنچه، جشن شاهنشاهی، بدینا داد. و به ایران داد.

اما، از این شار، ما شاهد ارمانی، بودیم، که خود سرسله و سرافاز بسیار بزرگ و تاریک و گنجایش در کار کشور شد، این ارمان، نورگار و انگیزش خوبی بود که بهینه کشور را، به میدان، گسترده ساخته مهرمانی، در هر زمینه رشد و پیشرفت تبدیل کرد. در طول زمانی که سخن از جشن و شادی آیین شاهنشاهی بود، ناگهان، همه احساس کردند، از سویای فلب، که باید بر این پرشکوهرین آیین تاریخ، گرمی نربن و مناسبترین پیشکنی را، بنگاراند، و چنین نیز شد. همه احساس کردند، و ساشی که آغاز شد، در نقطه آوج و اعتلاست. و ساشی که پیشکنی، به پیشگاه آن، تجلی تازه ای از نیروی کار ملی دریادار آفرینی تمدن بزرگ است. و بی آنکه، در این باره، سخن گفته شود، ناگهان، آهنگ سرت کارها، بالا گرفت. و در عین این سببیه بود، که، زلفای بار دنیا، و کوشندگان، زاری را، در سه ساعت، بزبان آوردند: میکوشیم، بزلفای که بهینه ما، در آستانه جشن آیین شاهنشاهی بنایم رسد.

پس از این ارمان ملی و میثی جشن شاهنشاهی است که از دیروز، آغاز شده است و چنانکه دیدیم، از این پس آمار و ارقام است که سخن خواهد گفت: دیروز، نخستین ارقام و ارقام سنگوار، کوشندگان یک پایه اساسی زیر بنای تمدن بزرگ ارائه دادند. سخنگوی دیروز، کوشندگان شبکه سراسری نیروی برق بودند. آنها که دست در کارند تا فلات کشور را، و قفب های صحنی، با این گسترش، با شبکه نیروی برق، بیوشانند، از کوشنهای بلند، تا دست ها، و کشتزار ها، و قفب های صحنی، و کارهای بنیانی که در این سببیه ملی ارائه دادند چنین بود.

واحد های ۳ و ۴ کیلو وات شهریار به ظرفیت ۳۰۰ هزار کیلو وات نصب و آماده بهره برداری شد. تلاش فخرمانی برای ایجاد مدار هم خط انتقال نیروی منجیل - تهران آغاز گردید و به ثمر رسید. ایجاد خط انتقال نیروی تهران - تبریز در اصفهان که در برنامه چهارم نقطه مقدمه کارایش بینی شده بود، بطور کامل هدف قرار گرفت. برنامه ایجاد خطوط انتقال ۴۰۰ کیلو وات در رضا شاه کبیر با اجرا سپرده شد. شبکه برق تهران، توسعه یافت و تقسیم های آن گرفتند. سال اینگونی، کاری که باید در یک دوران سه ساله - دو ساله بود، به انجام میگرفت. در دوازده ماه اجرا شد. و هضای آن نسیانم برق ۱۰۴ شهر کوچک، و نوسازی شد، گسترش یافت: به کوشندگان فخرمان شبکه نیروی برق سراسر کشور و صیبت و تلاش ملی و میثی آنان درود میفرستیم.

روزنامه جشن شاهنشاهی

روزنامه جشن شاهنشاهی